

تأثیر نرخ تبادلہ بالای بیلاس تجارت در افغانستان بین سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۲ بصورت ربعوار

وحیدالله شجاع^۱، پوهنمل دکتور احسان الله بارکزی^۲

^۱محصل برنامه ماستری امور مالی و بانکی، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دیارتمنت منجمنت و اداره تشبثات، پوهنځی اقتصاد، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: wahidullahshuja@gmail.com

چکیده

نرخ تبادلہ یکی از مهمترین متغیرها در تعیین میزان واردات و صادرات میباشد و تغییرات آن باعث افزایش و یا کاهش میزان تجارت خارجی می شود که در نتیجه بیلاس تجارت یک کشور را نیز میتواند متأثر سازد، بنابر این یک متغیر مهم اقتصادی در سیاست های تجارتي بخصوص در کشورهای در حال توسعه به حساب می آید. بیلاس تجارت که بیانگر تغییرات در میزان صادرات و واردات یک کشور می باشد نیز یک متغیر مهم به حساب می آید. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر نرخ تبادلہ بالای بیلاس تجارت افغانستان است. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق دربرگیرنده ربع اول سال ۱۳۸۷ الی ربع چهارم سال ۱۴۰۲ میباشد و تعداد مشاهدات این مطالعه ۶۰ مشاهده است. این مطالعه با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) برآورد شده و نتایج نشان میدهد که نرخ تبادلہ بالای واردات، صادرات و بیلاس تجارت افغانستان کاملاً بی معنی هستند.

واژه های کلیدی: بیلاس تجارت؛ صادرات؛ نرخ تبادلہ؛ واردات

The Impact of the Exchange Rate on Afghanistan's Trade Balance: A Quarterly Analysis (2008-2023)

Wahidullah Shuja^{*1}, Ahsanullah Barakzai²

¹Master's Student at Banking Department, Faculty of Economics, Kabul University, Kabul, AF

²Department of Human Resource Management, Faculty of Economics, Kabul University, Kabul, AF

Email: faridahw1986@gmail.com

Abstract

The exchange rate is one of the most important variables in determining the volume of imports and exports, and its fluctuations can increase or decrease foreign trade, which can also affect a country's trade balance. The purpose of this study is to examine the effect of the exchange rate on Afghanistan's trade balance. The data used in this study cover the first quarter of 2008 to the fourth quarter of 2023, and the total number of observations is 60, collected quarterly (seasonally). This study is estimated using the autoregressive distributed lag (ARDL) method. The results from the model estimation show that the exchange rates for Afghanistan's imports and exports, and its trade balance, are completely meaningless.

Keywords

Exchange rate; Exports; Imports; Trade balance

ارجاع: شجاع، و. و بارکزی، ا. (۱۴۰۵). تأثیر نرخ تبادلہ بالای بیلاس تجارت در افغانستان بین سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۴۰۲

بصورت ربعوار. ژورنال علمی-تحقیقی علوم اجتماعی-پوهنتون کابل ۱۹(۱). ۱۱۷-۱۳۶.

<https://doi.org/10.62810/jss.v9i1.396>

مقدمه

ساختار تجارتي افغانستان قسمي است که این کشور بیشتر وارد کننده است تا صادر کننده، زیرا توليدات داخلي آن محدود بوده و وابستگي زيادي به کالاهای خارجي دارد. عمده ترين اقلام وارداتي افغانستان شامل مواد غذايي، مواد سوخت، ماشين آلات و تجهيزات صنعتي است، در حالیکه صادرات آن بیشتر شامل محصولات زراعتي مانند ميوه های خشک و تازه، صنايع دستی و برخي مواد معدني می شود. در حال حاضر با توجه به وضعیت اقتصادي کشور های در حال توسعه و افزایش روز افزون تجارت جهاني در این کشورها، تأثیر تغييرات نرخ ارز بر ميزان تجارت از اهميت بالايی برخوردار است. امروزه به سختی می توان کشوري را در جهان يافت که از نظر اقتصادي خودکفا باشد. محدود کردن مصرف فقط در حد توليدات داخلي به دليل کوچک شدن دامنه انتخاب محصولات، کاهش کیفیت کالاهای و افزایش قيمت ها باعث پايين آمدن سطح رفاه مردم يک کشور می شود (کریم زاده، ۱۳۹۳). بيلانس تجارت يکی از مهمترين شاخص های اقتصادي هر کشوري است، زیرا اين متغير، اطلاعات مهمی را از موقعيت بين المللی، چگونگي ارتباط اقتصاد ملی با کشورهای ديگر و نیز تغييرات حجم صادرات و واردات آن کشور، نشان می دهد. به بيان ديگر، اهميت و بررسی بيلانس تجارت و نتيجتاً بازار ارز یا اسعار. بدان سبب است که اغلب کشورهای در حال توسعه، از جمله افغانستان که از عدم تعادل تجارت خارجي خود به دليل آثار نا مطلوب آن بر اقتصاد داخلي (توليد، تورم و ...) در رنج می باشند، روشن می باشد (نصرالدین آقازاده کمالی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنان با گسترش فعاليت های اقتصادي فضای کسب و کار حاکم بر توليدات، در دو حوزه دسترسی به منابع ارزان و بازارهای هدف مناسب با تحولات چشم گیری مواجه شده است. اين تحولات در راستای اصل «منابع محدود - نیازهای نا محدود» تصدي های توليدي را ملزم به بهره گیری از منابع ارزان در توليد کالا و خدمات و دسترسی به بازار های جهاني با رویکرد توليد انبوه محصولات کرده است. اين موضوع زمینه لازم برای شکل گیری تجارت بين کشورها را فراهم می سازد. از سوی ديگر تجارت میان محصولات و کالاهای در فضای جهاني بايد برحسب ارزش های قابل قبول و مورد تأييد تمامی کشورها باشد. اين ارزش چيزی نيست جز پول ملی کشور مبدأ (و پول ملی کشور طرف معامله که به اصطلاح «ارز» ناميده می شود). درواقع کالاها و خدمات در تجارت بين الملل بر حسب ارز، ارزش گذاری شده و مورد معامله قرار می گیرند (سحابی و همکاران، ۱۳۹۵). از آنجايی که نرخ ارز يکی از مهمترين متغيرها در تعيين ميزان واردات و صادرات می باشد و تغييرات آن باعث افزایش و يا کاهش ميزان تجارت خارجي می شود، بنابراین يک متغير کلیدی و

مهم اقتصادی در سیاست های تجارتي بخصوص در کشور های در حال توسعه به حساب می آید (زمانیان و بهراد، ۱۳۹۳). افغانستان به عنوان یک کشور توسعه نیافته برای تأمین نیازهای داخلی نیاز شدید به تجارت خارجی دارد و از آنجایی که نرخ ارز در طول سال های گذشته دچار تغییرات قابل ملاحظه ای شده از این رو بررسی تأثیر نرخ ارز یا نرخ تبادلۀ بیلانست تجارت افغانستان موضوع بسیار مهم بوده و نیاز به توجه دارد. در این راستا در این تحقیق به دنبال بررسی تأثیر نرخ تبادلۀ یا نرخ ارز بر بیلانست تجارت افغانستان هستیم. اقتصاد جهانی یکپارچه، هم مزایای تجارتي از جمله رشد و توسعه ای اقتصادی را به همراه داشته است و هم مشکلاتی مانند کسر-تجارتي، ناهماهنگی نرخ های ارز و عدم تعادل در بیلانست تادیات را ایجاد کرده است. مشکلات مرتبط با تجارت به ویژه بر اقتصادهای نوظهور، و اقتصاد های در حال توسعه از جمله افغانستان، تأثیر گذاشته است (موهر، فوری و همکاران، ۲۰۰۹). در هنگام وقوع کسری تجارتي، این وضعیت می تواند از طریق ورود سرمایه ای خارجی به اقتصاد متعادل شود.

بیلانست تجارت به عنوان یکی از شاخص های بررسی تعادل در اقتصاد و نیز معیاری که بر اساس آن مقامات دولتی می توانند، وضعیت اقتصادی کشور را در رابطه با فعالیت های اقتصادی داخلی و خارجی مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهند از جانب دیگر نرخ تبادلۀ یک متغیر مهم دیگر در اقتصاد است که از جایگاه خاص در مراودات اقتصادی از جمله تجارت بین الملل برخوردار می باشد (نصرالمدین آقازاده کمالی و همکاران، ۱۳۹۳). رابطه ای بین بیلانست تجارت، جریان های تجارتي و نرخ ارز هم از نظر نظری و هم از نظر تجربی مورد بررسی قرار گرفته است

بیلانست تجارت که از نتیجه ای مجموع صادرات منفی مجموع واردات یک کشور معمولاً طی دوره ای زمانی یک ساله بدست می آید، یکی از مهمترین شاخص های اقتصادی هر کشوری است، زیرا این متغیر، اطلاعات بسیار مهمی را از موقعیت بین المللی، چگونگی ارتباط اقتصاد ملی با کشورهای دیگر و نیز تغییرات در میزان صادرات و واردات آن کشور را نشان می دهد. و از آنجاکه افغانستان منحیث یک کشور در حال توسعه، طی سالهای متمادی دچار کسر-بیلانست تجارت می باشد و از این ناحیه به مشکلات متعددی از جمله کمبود ارز یا اسعار خارجی، رشد اقتصادی بطلی، افزایش روز افزون فقر و بیکاری و غیره مواجه می باشد. این کسر-بیلانست تجارت در افغانستان میتواند ناشی از موارد مختلف از جمله ضعف سیستم تولیدات داخلی، ضروریات حیاتی و اولیه شهروندان به کالا های خارجی یعنی وابسته بودن بیش از حد به واردات، کمبود سرمایه گذاری در بخش های صنعتی و تولیدی، نبود میکانیزم معیاری و منظم جهت تقویت تولیدات داخلی و تجارت داخلی، رقابت قاتلانۀ

کشور های همسایه با محصولات داخلی و وجود چالش های زیاد در تجارت بین الملل و غیره موارد داخلی و خارجی را میتواند شامل شود، که در این میان تأثیر نرخ تبادله بر قیمت کالا های وارداتی و صادراتی و بالترتیب بالای بیلانس تجارت نیز محسوس بوده و می تواند بیلانس تجارت را به سمت منفی (کسر-) و یا به سمت مثبت (مازاد) بکشانند. از آنجائیکه برای رفع یک معضله اولاً باید عوامل بمیان آمدن آن روشن شود و بعداً راه های حل آن جستجو شود، بنابر این لازم است تا اولاً عوامل تأثیر گذار بالای بیلانس تجارت که نرخ تبادله میتواند منحنی یک عامل تأثیر گذار مطرح شود، روشن و واضح شود و بعداً دنبال راه های حل آن رفت. از این جهت است که تأثیر نرخ تبادله بالای بیلانس تجارت اهمیت پیدا می کند و ضرورت ایجاب می کند که بالای آن تحقیق صورت بگیرد و از آن جایکه قبلاً روی این موضوع در افغانستان تحقیقات آن چنانی صورت نگرفته لازم دیده شد تا روی این موضوع تحقیق صورت بگیرد.

هدف کلی این تحقیق تحلیل تأثیر تغییرات نرخ اسمی مؤثر ارز (دالر) بر بیلانس تجارت افغانستان است. که همزمان با آن بعضی از اهداف دیگر نیز تحقق میابند مانند تحلیل تأثیر تغییر نرخ اسمی مؤثر ارز بر میزان واردات کل در افغانستان، تحلیل تأثیر تغییر نرخ اسمی مؤثر ارز بر میزان صادرات کل در افغانستان و ضمناً ارایه پیشنهادات برای بهبود وضعیت تجارتي کشور می باشد.

در این تحقیق کوشش گردیده تا به سوالات ذیل پاسخ داده شود.

۱ آیا نرخ تبادله بالای بیلانس تجارت تأثیر دارد یا خیر؟

۲ نرخ تبادله بالای بیلانس تجارت چه نوع تأثیر دارد؟

۳ نرخ تبادله بالای صادرات کل چه نوع تأثیر دارد؟

۴ نرخ تبادله بالای واردات کل چه نوع تأثیر دارد؟

در تحقیق حاضر فرض بر این است که نرخ تبادله بر بیلانس تجارت در افغانستان تأثیر دارد و این تأثیر مستقیم میباشد یعنی با بلند رفتن نرخ تبادله بیلانس تجارت نیز به سمت مثبت در حرکت می شود و هنگامی که نرخ تبادله نزول کند بیلانس تجارت نیز به سمت منفی در حرکت می شود یعنی با بلند رفتن نرخ تبادله میزان واردات کمتر شده و میزان صادرات زیاد می شود که این امر باعث کشاندن بیلانس تجارت به طرف مثبت می شود، و برعکس با نزول کردن نرخ تبادله میزان واردات بیشتر شده و میزان صادرات کمتر می گردد که این حالت باعث آن می شود که بیلانس تجارت به سمت منفی کشانده شود.

در تحقیق حاضر چهار متغیر از جمله یک متغیر مستقل و سه متغیر دیگر وابسته وجود دارد، که متغیر مستقل در این تحقیق نرخ تبادله می باشد و عبارت از نرخ تبادله دالر امریکایی در مقابل افغانی می باشد که در برگیرنده ربع اول سال ۱۳۸۷ الی ربع چهارم سال ۱۴۰۲ می باشد و متغیرهای وابسته عبارت از بیلانس تجارت که از تفریق صادرات کل و واردات کل به میان می آید، صادرات کل و واردات کل می باشند، که ارقام آن در برگیرنده ربع اول سال ۱۳۸۷ الی ربع چهارم سال ۱۴۰۲ می باشد. از لحاظ واژه شناسی نرخ تبادله عبارت است از ارزش یک واحد پول یک کشور در برابر واحد پول کشور دیگر گفته می شود یا به عبارت دیگر نرخ تبادله مشخص می کند که برای خرید یک واحد از ارز خارجی، چقدر مقدار از پول داخلی باید پرداخت شود. و انواع آن شامل نرخ تبادله ثابت، نرخ تبادله شناور، نرخ تبادله اسمی و نرخ تبادله واقعی می باشد. که در مطالعه حاضر با نرخ تبادله اسمی سروکار خواهیم داشت که به نرخ تبدیل یک واحد پول کشور به واحد پول کشور دیگر گفته می شود بیدون در نظر گرفتن تفاوت های سطح قیمت یا تورم بین دو کشور یا به عبارت دیگر نرخ تبادله اسمی نشان می دهد که با یک واحد از پول داخلی، چند واحد از پول خارجی می تواند خرید یا بالعکس آن. همچنان بیلانس تجارت یکی از شاخص های مهم اقتصادی است که وضعیت صادرات و واردات یک کشور را در یک دوره زمانی مشخص معمولاً یک سال نشان می دهد. و یا به عبارت دیگر بیلانس تجارت عبارت است از تفاوت بین ارزش صادرات و واردات یک کشور در یک بازه زمانی مشخص می باشد. که بیلانس تجارت می تواند سه حالت را داشته باشد در صورتیکه صادرات بیشتر از واردات شود مازاد بیلانس تجارت به میان می آید، در صورتیکه واردات بیشتر از صادرات شود کسر-بیلانس تجارت به میان می آید و در صورتیکه صادرات و واردات مساوی باشند در این صورت بیلانس تجارت متعادل می شود که این حالت به ندرت به وقوع می پیوندد.

این تحقیق با استفاده از داده های دست دوم که در برگیرنده یک متغیر مستقل که عبارت از نرخ تبادله و سه متغیر وابسته که عبارت از واردات، صادرات و بیلانس تجارت می باشد با استفاده از ارقام سال های بین سال ۱۳۸۷ الی سال ۱۴۰۲ که ارقام آن بصورت ربعوار ترتیب گردیده است با استفاده از مودل خود رگرسیون با وقفه های توزیع شده (ARDL) انجام شده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه تأثیر نرخ تبادله بالای بیلانس تجارت، تأثیر نرخ تبادله بالای بیلانس تادیات، تأثیر نرخ تبادله بالای صادرات و تأثیر نرخ تبادله بالای واردات تحقیقات زیادی در کشورهای متعدد صورت گرفته و نیز نظریات زیاد در این موارد ارایه گردیده است که ذیلاً به برخی از آنها پرداخته شده است.

حسن روحانی و همکاران (۱۳۹۹)، این مطالعه به بررسی تأثیر نرخ ارز بر تجارت افغانستان با شرکای عمده تجاری آن با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه های خود توزیعی (ARDL) پرداخته است. این تحقیق که با استفاده از اعداد و ارقام صادرات و واردات میان افغانستان و چهار شریک عمده تجارتي آن از جمله ایران، پاکستان، چین و هند طی سالهای ۲۰۱۵/۱/۱ الی ۲۰۱۷/۱۱/۳۰ بصورت ماهوار انجام یافته است، نتایج حاکی از آن است که نرخ ارز کشور های متذکره بر میزان واردات افغانستان از کشور های متذکره بی تأثیر است و یا به عبارت دیگر تأثیر نرخ ارز شرکای تجاری افغانستان بر میزان واردات بی معنی است. و از جانب دیگر تأثیر نرخ ارز کشور های فوق بر میزان صادرات افغانستان به این کشور ها بی معنی است که این نتیجه شامل تمامی کشورهای مورد بررسی به چین میشود. به طوری که اگر نرخ ارز چین یک فیصد تغییر کند میزان صادرات افغانستان به اندازه ۷.۶٪ هم جهت تغییر می کند.

مریم ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷)، در یک تحقیق که زیر عنوان بررسی اثرات نا متقارن نوسانات نرخ تبادله بر بیلاتس تجارتي ایران و چین با رویکرد (ARDL) غیر خطی با استفاده از داده های سری زمانی در دوره زمانی فصل اول ۱۹۹۲ تا فصل چهارم ۲۰۱۶ انجام داده اند که نتایج بدست آمده حاکی از مثبت و معنا دار بودن تغییرات مثبت نرخ ارز و منفی و غیر معنا دار بودن تغییرات منفی نرخ ارز می باشد. بنابر این در این مدل بر خلاف مدل خطی، تغییرات نرخ ارز بر بیلاتس تجارت کشور مؤثر بوده اما وجود منحنی J تأیید نمی شود.

بهنام الیاس پور و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه که تحت عنوان تأثیر نا اطمینانی نرخ تبادله بر بیلاتس تجارت ایران: رهیافت الگوی تلاطم تصادفی نا متقارن با استفاده از داده های فصلی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۴ در چهارچوب الگوی هم جمعی یوهانسن-جوسیلیوس می پردازند. نتایج نشان دهنده این است که در بلند مدت و در هر سه مدل برآوردی، نرخ ارز واقعی تأثیر منفی و معنی داری بر صادرات غیر نفتی، واردات و بیلاتس تجارت ایران دارد. همچنین نا اطمینانی نرخ ارز واقعی تأثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی و بیلاتس تجارت ایران و تأثیر منفی بر واردات ایران دارد.

حسین صمصامی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی روی موضوع بررسی اثرات تغییر نرخ ارز بر بیلاتس تجارتي: رویکرد شرط مارشال لرنر تعمیم یافته مطابق با شرایط اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۶۰ با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله ای صورت گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که این شرط برای اقتصاد ایران بر قرار نمی باشد. بنابر این سیاست کاهش ارزش پول ملی اثر معنی داری بر بهبود بیلاتس تجارتي کشور ندارد و سیاست گذاری اقتصادی باید راهکار

های دیگری جهت افزایش صادرات در نظر بگیرد. برای حفظ بیلاتس تجارتی دو جانبه مطلوب، مقامات باید اقدامات پیشگیرانه و جانبی عرضه کنند. و راه حل جایگزین برای افزایش صادرات پیدا کنند، مثلاً تنوع صادرات را برای بهبود عملکرد صادرات مد نظر قرار دهد.

ارشاد الله جادون (۲۰۱۹)، در یک که تحقیق تحت عنوان تأثیر نوسانات نرخ تبادله بر بیلاتس تجارت پاکستان، با بکارگیری از سری زمانی بین سالهای ۱۹۷۱ الی ۲۰۱۶ بصورت سالانه با استفاده از مودل (ARDL) انجام داده است. به این نتیجه رسیده است که نرخ تبادله دارای رابطه مثبت و معنادار با بیلاتس تجارت در کوتاه مدت و بلند مدت است. کاهش ارزش روپیه پاکستان در برابر دالر امریکایی سبب افزایش صادرات شده و در نهایت موجب بهبود بیلاتس تجارت می شود. از سوی دیگر، عرضه پول و تورم تأثیر منفی و معنادار بر بیلاتس تجارت دارند. زیرا افزایش عرضه پول باعث افزایش تورم شده و صادرات را کاهش می دهد، که در نتیجه منجر به کاهش بیلاتس تجارت می شود.

متلاسدی نچوکو تونی (۲۰۱۶)، در تحقیق خود که تحت عنوان تأثیر نرخ واقعی مؤثر ارز بر بیلاتس تجارت افریقای جنوبی با استفاده از داده های مربوط به دوره زمانی ربع اول سال ۱۹۸۰ الی ربع چهارم سال ۲۰۱۴، و آزمون کرانه های مودل خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) و همچنین آزمون هم انباشتگی یوهانسن برای بررسی رابطه یی هم انباشتگی بلند مدت بین متغیر ها مورد استفاده قرار گرفتند، انجام داده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آزمون های هم انباشتگی نشان می دهد که یک رابطه یی تعادلی پایدار بلند مدت بین بیلاتس تجارت، نرخ واقعی مؤثر ارز، تولید ناخالص داخلی، عرضه یی پول، شرایط تجارتی و ذخایر ارزی خارجی وجود دارد. نتایج مودل بلند مدت ARDL نشان می دهد که کاهش ارزش راند (ZAR) افریقایی جنوبی بیلاتس تجارت را بهبود می بخشد و در نتیجه شرط مارشال-لرنر تأیید می شود. همچنان مشخص شد که تولید ناخالص داخلی و عرضه پول، تأثیر منفی قابل توجهی بر تراز تجارت در بلند مدت دارند، در حالی که شرایط تجارتی تأثیر مثبت دارد. با این حال، ذخایر ارزی خارجی در بلند مدت تأثیر معنادار بر بیلاتس تجارت نداشتند.

کانر زورلوباس (۲۰۱۱)، در تحقیق خود که تحت عنوان یک تحلیل اقتصادسنجی تأثیر نوسانات نرخ ارز بالای بیلاتس تجارت ناروی داشته است، این مطالعه که با استفاده از مودل خود رگرسیون با وقفه های خود توزیعی (ARDL) انجام شده است، نتایج این تحقیق بیان گر این است که نرخ تبادله

یک تأثیر قوی بالای بیلانس تجارت دارد. با اینکه تغییر در تولیدات ناخالص داخلی GDP و عر ضه پول امکان تأثیر بالای بیلانس تجارت را دارد اما این تأثیر آن قدر قابل ملاحظه نیست.

گان-اوپاچیر دوجاف (۲۰۱۸)، تحقیق را که انجام داده است عنوان آن تأثیر نرخ تبادله واقعی بالای بیلانس تجارت در یک اقتصاد ثروت مند از لحاظ منابع، مطالعه موردی کشور منگولیا می باشد. این تحقیق با استفاده از مدل مسیر تصحیح و خطا (VEC) انجام شده است. نتایج تجربی این تحقیق حاکی از آن است که کاهش نرخ تبادله باعث بهبود بیلانس تجارت در کوتاه مدت و بلند مدت می شود. همچنان شرط مارشال لرر نیز در بلند مدت تحقق میابد، بنابر این در کوتاه مدت نوسانات نرخ تبادله بالای منحنی J تأثیر ندارد. نتایج بیان گر این است که نوسانات نرخ تبادله میتواند در قسمت کسر حساب جاری و پوشش خطر نرخ تبادله کمک کند.

دیپلاگیلانا (۲۰۱۹)، تحقیقی را تحت عنوان تأثیر نرخ واقعی تبادله بالای بیلانس تجارت ایتوپیا، با این سوال که آیا شرط مارشال لرر محقق می شود یا خیر، انجام داده است. این تحقیق که با استفاده از مدل مسیر تصحیح و خطا (VECM) انجام شده، در این تحقیق از داده های سری زمانی ربعوار استفاده شده که بین ربع اول سال ۱۹۹۵ الی ربع چهارم سال ۲۰۱۷ را در بر دارد. نتایج تجربی تحقیق بیان گر این است که رابطه قابل ملاحظه بین بیلانس تجارت و موارد گنجانیده شده در مشخصات مطالعه از جمله نرخ واقعی تبادله، عاید ناخالص، عاید خارجی و عر ضه واقعی پول در بلند مدت وجود دارد. همچنان نتایج تحقیق بیان گر این است که شواهد برای منحنی J در ایتوپیا وجود ندارد. در کل نتایج تحقیق برای پالیسی سازان شواهدی را بیان میکند که نرخ واقعی تبادله یک تأثیر عمده بالای بیلانس تجارت ایتوپیا در بلند مدت دارد.

اورجی گلوریوس اونینی (۲۰۱۲)، در تحقیق خود که تحت عنوان تأثیر نرخ تبادله بالای بیلانس تادیات نایجریا انجام داده است، در این تحقیق از داده های سری زمانی سالانه که بین سال های ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۰ را در بر می گیرد، استفاده شده است. تحقیق متذکره با استفاده از مدل حد اقل مربعات معمولی (OLS) انجام شده است. نتایج تحقیق بیان می کند که یک رابطه بین نرخ اسعار خارجی و بیلانس تادیات وجود دارد این رابطه طوری است که مثبت و قابل ملاحظه می باشد. همچنان نتایج حاکی از وجود رابطه بین اقتصاد باز و بیلانس تادیات منفی و قابل ملاحظه می باشد و رابطه میان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و بیلانس تادیات مثبت و قابل ملاحظه می باشد.

روش تحقیق

ارقام و اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه طی سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۷ از آمارهای رسمی منتشر شده توسط اداره ملی احصایه و معلومات و د افغانستان بانک بصورت ربعوار جمع آوری شده است که ارقام مربوط به واردات، صادرات و بیلانس تجارت از صفحه رسمی اداره ملی احصایه و معلومات گرفته شده و ارقام و اطلاعات مربوط به نرخ تبادل از صفحه رسمی د افغانستان بدست آمده است. که این ارقام و اطلاعات مربوط به افغانستان می باشد. در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل تأثیر نرخ تبادل بالای بیلانس تجارت افغانستان از داده‌های سری زمانی استفاده شده است. در واقع رابطه بین دو سری زمانی با تفکیک متغیر مستقل و وابسته انجام می شود. بر این اساس در این تحقیق تأثیر نرخ تبادل منحنی متغیر مستقل بر بیلانس تجارت افغانستان بررسی می شود. البته ناگفته نباید گذاشت که جهت غنای موضوع تأثیر نرخ تبادل منحنی متغیر مستقل بالای واردات و صادرات افغانستان نیز مورد بررسی قرار می گیرد. البته تمام تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزار EViews و در قالب مدل خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) انجام می شود. و روش استفاده شده در تحقیق حاضر روش کمی می باشد. مدل مورد استفاده برای تخمین داده‌ها به صورت زیر می باشد:

$$TB_t = \alpha + EXC_t + \varepsilon_t$$

$$IMP_t = \alpha + EXC_t + \varepsilon_t$$

$$EXP_t = \alpha + EXC_t + \varepsilon_t$$

که در آن:

TB: بیلانس تجارت

IMP: میزان واردات

EXP: میزان صادرات

EXC: نرخ تبادل

t: زمان

α : ضریب

۴: تصحیح خطای زمانی

در این مطالعه نرخ تبادله (ارزش دالر مقابل افغانی) مربوط به افغانستان متغیر مستقل و بیلانس تجارت، واردات کل و صادرات کل افغانستان متغیرهای وابسته مدل هستند. که در ذیل آزمون های ضروری و مرتبط انجام شده مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها

در این مطالعه بعد از انجام آزمون های ضروری و متعدد به این نتیجه رسیدیم که در قسمت مانایی و نامانایی متغیر مستقل که عبارت از نرخ تبادله می باشد در سطح مانا بودند و متغیرهای وابسته همه ای شان با یک تفاضل مانا شدند. در بخش آزمون های خود توزیع با وقفه های توزیعی در یافتیم که در کوتاه مدت با ایجاد تغییرات در متغیر مستقل که نرخ تبادله است در متغیرهای غیر مستقل که واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت می باشد هیچ تغییر ایجاد نمی شود یعنی در کوتاه مدت متغیر مستقل بالای متغیرهای وابسته هیچ تأثیر ندارد همچنان آزمون رابطه هم جمعی بین متغیرها نیز نشان دهنده این مطلب بود که هیچ رابطه طولانی مدت و هم جمعی بین متغیر مستقل که نرخ تبادله می باشد و متغیرهای وابسته که واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان می باشد وجود ندارد. یعنی این نتیجه بیان گر این است که نرخ تبادله در بلند مدت هیچ تأثیری به واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان ندارد. بناً یافته های این تحقیق نشان میدهد که متغیر مستقل (نرخ تبادله) بالای متغیرهای وابسته (واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان) در کوتاه مدت و طولانی مدت هیچ تأثیر نداشته و رابطه معنی داری بین آنها وجود ندارد. نتایج که از آزمون ها در این تحقیق بدست آمده ذیلآ مورد تحلیل و تشریح قرار گرفته است.

آزمون مانایی متغیرها (Unit Root Test)

برای بررسی اینکه آیا میانگین و واریانس داده های سری زمانی در طول زمان ثابت هستند یا خیر. اگر سری زمانی نامعنا باشد، نمی توان مدل های آماری مانند VAR یا ARDL یا رگرسیون خطی ساده را به طور مطمئن بر آن اعمال کرد، چون نتایج ممکن است گمراه کننده یا نادرست باشند، از این رو برای بررسی مانایی متغیرهای مورد بررسی از آزمون دیکی-فولر استفاده می شود که نتایج بدست آمده در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر های تحقیق	آماره آزمون	معنی داری	وضعیت
نرخ تبادل	-۳,۵۳۰۵۵۶	۰,۰۴۵۹	مانا در سطح
واردات افغانستان	-۱۱,۵۵۸۲۶	۰,۰۰۰۰	مانا با یک تفاضل
صادرات افغانستان	-۱۴,۱۱۱۷۸	۰,۰۰۰۰	مانا با یک تفاضل
بیلاتس تجارت افغانستان	-۱۱,۶۳۰۹۱	۰,۰۰۰۰	مانا با یک تفاضل

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول فوق، متغیر مستقل (نرخ تبادل) در سطح مانا هستند و متغیر های دیگر که در سطح مانا نبودند با تفاضل گیری مانا شده اند. در این حالت تخمین مودل دچار رگرسیون کاذب نمی شوند. آزمون مانایی با استفاده از آزمون دیکی فولر انجام شده است. سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۵ نشان دهنده مانایی متغیر در سطح یا پس از تفاضل گیری است.

برآورد مودل ها

در ادامه بعد از انجام آزمون آمار توصیفی، آزمون خود همبستگی، آزمون رگرسیون، آزمون هتروسکداستیسیته و آزمون مانایی متغیرها نیز انجام شده اند. با توجه به نتایج آزمون های فوق روش مورد استفاده برای تخمین مودل ها روش خود توضیح با وقفه های توزیعی (ARDL) می باشند.

در ابتدا به برآورد مودل می پردازیم، به طوری که نرخ تبادل (افغانی مقابل دالر) منحنی متغیر مستقل و واردات، صادرات و بیلاتس تجارت هریک به حیث متغیر های وابسته مورد نظر می باشد. در این بخش سوال مطرح شده این است که اگر نرخ تبادل تغییر کند، به چه میزان بر واردات افغانستان، به چه میزان بر صادرات افغانستان و به چه میزانی بر بیلاتس تجارت افغانستان تأثیر وارد می شود؟ نتایج بدست آمده در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: آزمون خود توضیح با وقفه های توزیعی

معنی داری	ضریب تعیین	سطوح احتمالی	آمار T	ضریب	متغیر وابسته	متغیر مستقل
0.047	۰,۵۶۷۴۲۶	۰,۰۰۰۳	۳,۸۹۲۰۱۳	۰,۴۸۵۲۴۶	نرخ تبادل	واردات افغانستان
0.003	۰,۸۳۱۸۰۱	۰,۰۰۰۳	۳,۸۹۳۱۱۱	۰,۴۹۵۲۰۲	نرخ تبادل	صادرات افغانستان
0.017	۰,۵۷۱۸۳۵	۰,۰۰۰۵	۳,۷۰۷۵۸۲	۰,۴۶۱۱۶۳۰	نرخ تبادل	بیلاس تجارت افغانستان

منبع: یافته های تحقیق

نتایج بدست آمده نشان می دهد که نرخ تبادل در کوتاه مدت تأثیر معناداری بر واردات ندارد. این ممکن است نشان دهنده عدم حساسیت واردات به نوسانات ارزی در کوتاه مدت باشد. مدل حاضر رابطه کوتاه مدت بین واردات و نرخ تبادل را تأیید نمی کند اما وقفه های واردات تأثیر معناداری دارند.

در قسمت تأثیر نرخ تبادل بالای صادرات نتایج بیان گر این است که نرخ تبادل تأثیر فوری و معنی داری بر صادرات ندارد. اما افزایش نرخ تبادل در دوره قبل با افزایش صادرات در دوره فعلی همراه است. این نشان دهنده تأثیر مثبت کاهش ارزش پول ملی بر صادرات با یک دوره تأخیر باشد.

نتایج آزمون در بخش تأثیر نرخ تبادل بالای بیلاس تجارت نشان می دهد که نرخ تبادل در کوتاه مدت تأثیر آماری معناداری بر بیلاس تجارت ندارد یعنی بیان گر این مسئله است که نرخ تبادل در کوتاه مدت بالای بیلاس تجارت تأثیر ندارد. اما مدل حاضر نشان می دهد که بیلاس تجارت بیشتر تحت تأثیر رفتار گذشته خود است.

در ادامه کوشش به عمل آمد تا با استفاده از آزمون کرانه ها (Bound Test) که در چارچوب روش خود توضیح با وقفه های توزیعی (ARDL) معرفی شده، برای بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها که در یک مدل رگرسیونی استفاده می شود، استفاده نمودیم تا دریابیم که هم انباشتگی بین متغیرها، یعنی اینکه آیا بین متغیرهای مدل یک رابطه بلند مدت پایدار وجود دارد یا خیر. که نتیجه آزمون بشکل خلاصه طی جداول زیر بیان گردیده است.

جدول ۳: آزمون رابطه هم جمعی بین متغیرها

متغیرها	F-Statistic	سطح معنا داری	I (0)	I (1)
نرخ تبادله و واردات	2.643	10%	3.13-3.15	3.62-3.65
		5%	3.78-3.80	4.34-4.36
		1%	5.35-5.38	6.01-6.03

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق آمار بدست آمده از نتیجه آزمون بیان میدارد که در تمام سطوح معنا داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ آمار F از کران پایین عبور نمی‌کند. چون آماره F کوچکتر از کران پایین همه سطوح معناداری است، نتیجه روشن است یعنی فرض صفر رد نمی‌شود. به بیان ساده هیچ شواهدی مبنی بر وجود رابطه هم جمعی بلند مدت بین متغیرها وجود ندارد یعنی متغیرها در بلند مدت حرکت مشترکی ندارند.

جدول ۴: آزمون رابطه هم جمعی بین متغیرها

متغیرها	F-Statistic	سطح معنا داری	I (0)	I (1)
نرخ تبادله و صادرات	3.115	10%	3.13-3.14	3.65-3.67
		5%	3.79-3.80	4.36-4.39
		1%	5.37-5.38	6.03-6.05

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق آمار بدست آمده از نتیجه آزمون بیان میدارد که در تمام سطوح معنا داری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ آمار F از کران پایین عبور نمی‌کند. چون آماره F کوچکتر از کران پایین همه سطوح معناداری است، نتیجه روشن است یعنی فرض صفر رد نمی‌شود. به بیان ساده هیچ شواهدی مبنی بر وجود رابطه هم جمعی بلند مدت بین متغیرها وجود ندارد یعنی متغیرها در بلند مدت حرکت مشترکی ندارند.

جدول ۵: آزمون رابطه هم جمعی بین متغیرها

متغیرها	F-Statistic	سطح معنا داری	I (0)	I (1)
نرخ تبادله و بیلاتس تجارت	2.668	10%	3.02-3.12	3.51-3.65
		5%	3.78-3.80	4.34-4.36
		1%	5.35-5.38	6.01-6.03

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق آمار بدست آمده از نتیجه آزمون بیان میدارد که در تمام سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ آمار F از کران پایین عبور نمی کند. چون آماره F کوچکتر از کران پایین همه سطوح معناداری است، نتیجه روشن است یعنی فرض صفر رد نمی شود. به بیان ساده هیچ شواهدی مبنی بر وجود رابطه هم جمعی بلند مدت بین متغیرها وجود ندارد یعنی متغیرها در بلند مدت حرکت مشترکی ندارند.

بحث و مناقشه

نتایج این تحقیق نشان می دهد که نرخ تبادل از نظر آماری تأثیر معناداری بر واردات، صادرات و بیلانس تجارت افغانستان ندارد. این نتیجه بیانگر این است که در دوره مورد بررسی، تغییرات نرخ تبادل نتوانسته نقش مهم و تعیین کننده ای در توضیح رفتار متغیرهای تجاری کشور ایفا کند. چنین یافته ای از یک سو اهمیت توجه به ویژگی های ساختاری اقتصاد افغانستان را برجسته می سازد و از سوی دیگر نشان می دهد که برای تحلیل تجارت خارجی، باید عوامل دیگری نیز مورد بررسی قرار گیرند.

در مقایسه با تحقیقات پیشین، نتایج این مطالعه با بسیاری از تحقیق های بین المللی و منطقه ای هم راستا نیست. برای مثال، روحانی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه ای مرتبط با افغانستان نشان دادند که نرخ تبادل کشورهای شریک تجاری اثر معناداری بر واردات و صادرات افغانستان ندارد. این نتیجه تا حدودی با یافته های تحقیق حاضر هماهنگ بوده و نشان می دهد که نقش نرخ تبادل در اقتصاد افغانستان ممکن است محدودتر از بسیاری کشورها باشد.

در مقابل، نتایج بسیاری از مطالعات در سایر کشورها متفاوت است. به عنوان نمونه، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷) در مورد ایران نشان دادند که تغییرات نرخ اسعار یا ارز، به ویژه در چارچوب مدل های غیرخطی، اثر قابل توجهی بر بیلانس تجارت دارد. همچنین الیاس پور و همکاران (۱۳۹۶) وجود رابطه بلندمدت میان نرخ ارز و متغیرهای تجاری ایران را تأیید کرده اند. این تفاوت ها احتمالاً ناشی از تفاوت در ساختار اقتصادی، میزان وابستگی به تجارت خارجی و سطح توسعه بازارهای مالی است.

علاوه بر این، مطالعاتی مانند صمصامی و همکاران (۱۴۰۲) نشان داده اند که در اقتصاد ایران شرط مارشال-لرنر برقرار نبوده و کاهش ارزش پول ملی لزوماً به بهبود بیلانس تجارت منجر نمی شود. این

نتیجه تا حدی با یافته‌های تحقیق حاضر همسو است و بیان می‌کند که اثر نرخ تبادل بر تجارت همیشه یکسان و قابل پیش‌بینی نیست.

از سوی دیگر، شواهد تجربی در کشورهایی مانند پاکستان (Jadoon, 2019)، آفریقای جنوبی (Nchokoe, 2016)، منگولیا (Doojav, 2018) و اتیوپی (Debela, 2019) نشان می‌دهد که نرخ تبادل معمولاً اثر مثبت و معناداری بر بیاتس تجارت دارد و در برخی موارد نیز شرط مارشال-لرنر تأیید شده است. این تفاوت در نتایج بیانگر آن است که اثر نرخ تبادل به شدت وابسته به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد، انعطاف‌پذیری صادرات و واردات و همچنین سیاست‌های پولی و تجاری هر کشور است.

برای توضیح تفاوت نتایج این تحقیق با مطالعات بین‌المللی می‌توان به چند ویژگی ساختاری اقتصاد افغانستان اشاره کرد. نخست، اقتصاد افغانستان عمدتاً واردات‌محور است و بخش بزرگی از واردات آن شامل کالاهای ضروری و کم‌ارتجاعی می‌شود؛ بنابراین تغییرات نرخ تبادل تأثیر محدودی بر حجم واردات دارد. دوم، صادرات کشور محدود و غیرمتنوع بوده و بیشتر شامل محصولات زراعی و صنایع دستی است که حساسیت کمی نسبت به تغییرات نرخ تبادل دارند. سوم، وابستگی شدید اقتصاد افغانستان به کمک‌های خارجی موجب ورود پایدار اسعار خارجی شده که این امر اثر نرخ تبادل بر تجارت را کاهش می‌دهد. چهارم، عوامل غیر اقتصادی مانند شرایط سیاسی، امنیتی و روابط منطقه‌ای در تعیین جریان‌های تجاری نقش پررنگ‌تری نسبت به متغیرهای اقتصادی دارند.

در نهایت، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برخلاف بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، نرخ تبادل به تنهایی عامل تعیین‌کننده‌ای در توضیح رفتار واردات، صادرات و بیاتس تجارت افغانستان محسوب نمی‌شود. بنابراین برای تحلیل دقیق‌تر تجارت خارجی کشور، ضروری است علاوه بر متغیرهای پولی، به عوامل ساختاری، نهادی و سیاسی نیز توجه ویژه صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با رشد تجارت جهانی و افزایش روابط تجاری بین کشورها، تأثیر نرخ تبادل بر تجارت اهمیت ویژه‌ای یافت به عبارت دیگر درک رابطه بین تجارت و نرخ تبادل یک از عوامل موفقیت سیاست‌های تجاری است. در این راستا در مقاله حاضر بدنبال بررسی تأثیر نرخ تبادل بر واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیاتس تجارت افغانستان بودیم. نوعیت داده‌ها در این تحقیق به صورت سری زمانی مربوط به افغانستان به صورت ربع وار (فصلی) طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۲ می‌باشد و روش

مورد استفاده مودل خود رگرسیون با وقفه های توزیعی (ARDL) بوده است. به طوریکه در این تحقیق ۴ مودل برآورد گردید و از بین مودل های برآورد شده مودل ریشه واحد (Unit Root Test) نشان داد که متغیر مستقل در سطح مانا است و متغیر های وابسته همگی شان با یک تفاضل مانا شدند. نتایج بدست آمده از برآورد دیگر مودل ها نشان می دهد که نرخ تبادل افغانستان بر میزان واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان کاملاً بی معنا هستند و یا به عبارت دیگر میزان واردات افغانستان، میزان صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان نسبت به تغییرات نرخ تبادل واکنش نشان نداده است؛ فقط نرخ تبادل بر صادرات افغانستان یک دوره بعد تأثیر منفی و بسیار ضعیف دارد یعنی با بلند رفتن نرخ تبادل صادرات کم می شود و با کاهش نرخ تبادل میزان صادرات افزایش می یابد؛ که در واقع به صورت کلی می توان بیان داشت که نرخ تبادل افغانستان بر میزان واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان بی تأثیر است. یافته های تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین از جمله تحقیق ارشادالله جادون در پاکستان، کانر زورلوباس در ناروی، پایه فوفانه در غرب افریقا، تیهومایر ستوکا در کرو واسیا و دیگران همسو نیست، به جز تحقیق حسن روحانی و همکاران که تحقیق متذکره نیز در افغانستان با استفاده از داده های سری زمانی ماهوار طی سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۷ انجام شده است همسو می باشد چون حسن روحانی و همکاران طی یک تحقیق در سال ۱۳۹۹ به این نتیجه رسیده بودند که تغییرات نرخ تبادل بالای واردات و صادرات افغانستان و چهار شریک عمده تجارتی آن مانند پاکستان، ایران، چین و هند تأثیر ندارد و بی معنی می باشد. به طوریکه نرخ تبادل یکی از متغیر های کلیدی و تأثیر گذار بر واردات، صادرات و بیلانس تجارت است اما در رابطه با افغانستان میتوان گفت بدلیل اینکه افغانستان یک کشور کاملاً وارداتی (۹۵٪ از کالا های مورد استفاده وارداتی هستند) و اقلام وارداتی نیز شامل کالاهای ضروری و مصرفی است و در بخش صادرات نیز محدود به محصولات زراعتی و صنایع دستی است؛ از طرف دیگر تمامی معاملات با اسعار خارجی انجام می شود و اسعار مورد نیاز واردات افغانستان نیز در بیشتر مواقع از ناحیه کمک های خارجی تأمین میشود و ربطی به تولیدات داخلی ندارد، در ضمن بجای متغیر های اقتصادی در برخی موارد بیشتر سایر متغیرها مثلاً روابط سیاسی بر میزان واردات، صادرات و بیلانس تجارت تأثیر گذار است زیرا آن چنانی که مشاهده می شود بیشترین تأثیر را تحولات سیاسی بالای واردات، صادرات و بیلانس تجارت دارد؛ بنابراین میتوان گفت بی تأثیر بودن نرخ تبادل بر واردات افغانستان، صادرات افغانستان و بیلانس تجارت افغانستان یک نتیجه دور از واقعیت نیست. همچنان چهار سوال که قبلاً در بخش سولات تحقیق مطرح شده

بود نیز تمام شان جواب منفی دریافت نمودند. و فرضیه‌های تحقیق هم ثابت نشدند و برخلاف آن هیچ رابطه‌ای ثابت نشد. بنابر این برای بیرون رفت از معضل کسر-متمادی بیلاتس تجارت دولت باید بعضی موارد را در نظر بیگیرد از جمله حمایت همه‌جانبه از تولیدات داخلی و فراهم سازی زمینه برای صادرات محصولات داخلی، دور نگهداشتن مسائل تجارتي از مسائل سیاسی که افغانستان منحیث یک کشور محصور در خشکه از این ناحیه با مشکلات زیادی مواجه می‌باشد، تقویه پول ملی در مقابل اسعار خارجی به ویژه دالر امریکایی در کوتاه مدت زیرا افغانستان منحیث یک کشور وارداتی بتواند کالاهای ارزانتر بدست آورد که این خود بالای بیلاتس تجارت تأثیر مثبت وارد می‌کند. و ایجاد یک سیستم و دیتابیس منظم جهت جمع آوری ارقام و معلومات دقیق نیز میتواند محققین را در زمینه تحقیق بهتر و موثر تر همکاری کند.

پیشنهادهات

با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهادات ذیل ارایه میگردد:

۱. گسترش و تنوع بخشی به صادرات: ضروری است که از صنایع داخلی به ویژه بخش های تبدیلی و تولیدات دارای ارزش افزوده حمایت صورت گیرد تا تنوع صادراتی افزایش یافته و ظرفیت صادراتی افغانستان تقویت شود.
۲. کاهش وابستگی به واردات: توسعه تولید داخلی کالاهای اساسی می تواند میزان وابستگی به واردات را کاهش داده و به ایجاد ثبات بیشتر در بیلاتس تجارت کمک نماید.
۳. تقویت بخش تولید و جذب سرمایه گذاری داخلی: افزایش سرمایه گذاری در بخش های صنعتی و تولیدی به منظور ارتقای ظرفیت تولید داخلی و جایگزینی واردات ضروری و قابل توصیه است.
۴. هدایت هدفمند کمک های خارجی: کمک های خارجی باید به گونه ای مدیریت شوند که در جهت توسعه زیرساخت های تولیدی و تقویت بخش های صادرات محور به کار گرفته شوند، نه صرفاً برای مصارف کوتاه مدت.
۵. توجه به عوامل ساختاری و نهادی: با توجه به عدم معناداری نرخ تبادل، لازم است سیاست گذاران علاوه بر سیاست های پولی، بر عوامل ساختاری مانند ثبات سیاسی، بهبود زیرساخت های تجارتي و کاهش ریسک های اقتصادی نیز تمرکز نمایند.

سپاسگزاری

جا دارد تا در این بخش از استاد رهنمای خود محترم دکتر احسان الله بارکزی استاد پوهنځی اقتصاد پوهنتون کابل که مشوره و رهنمایی های مفید را جهت استغناى این رساله به بنده عرضه داشته اند و همچنان از فامیل گران ارج خود نیز بابت حمایت های همیشگی شان سپاس گزارم.

سهم نویسندگان در تحقیق (مقاله)

در تحقیق و تدوین این رساله وحیدالله شجاع دربخش ساختار تیوریکی ، پیشینه تحقیق، و روش تحقیق سهم خویش را ادا نموده است، و پوهنمل دکتر احسان الله بارکزی در قسمت ترتیب چکیده انتخاب میتود تحقیق و چگونگی تحلیل نتایج آزمون ها مشوره های ارزشمند خود را ارایه نموده اند .

تضاد منافع

تصدیق میگردد که نویسنده گان این مقاله هیچ گونه تضاد منافع ندارند.

منابع

- ابراهیمی، م.، هژبرکیانی، ک.، معمارنژاد، ع.، و غفاری، ف. (۱۳۹۷). بررسی اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر تراز تجاری ایران و چین با رویکرد ARDL غیرخطی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۲(۴۲)، ۲۱-۴۰.
- الیاس پور، ب.، احمدی شادمهر، م.، لطف‌علی‌پور، م.، و فلاحتی، م. (۱۳۹۷). تأثیر ناپایداری نرخ ارز بر تراز تجاری ایران: رهیافت الگوی تلاطم تصادفی نامتقارن. مجله بازرگانی، ۲۲(۸۶)، ۳۱-۶۰.
- آقازاده‌کمالی، ن.، دلاوری، م.، و اسفندیاری، ع. (۱۳۹۲). تحلیل اثرپذیری تراز پرداخت‌ها از تحولات بازار ارز: مطالعه موردی ایران. دانش مالی (تحلیل اوراق بهادار)، ۸(۲۷)، ۱۴-۳۵.
- باقرپور اسکویی، ا. (۱۴۰۳). رابطه نرخ ارز و تورم در کشورهای منتخب. ماهنامه علمی امنیت اقتصادی، ۲(۵)، ۳-۷.
- پناهی، ح.، معصوم‌زاده، س.، و رزاقی، س. (۱۳۹۶). بررسی اثر نرخ ارز بر تراز پرداخت گردشگری ایران. فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸(۱)، ۹-۲۸.
- تقوی، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر نرخ ارز و تراز پرداخت‌ها در اقتصاد ایران (رهیافت پولی). فصلنامه اقتصادی مقداری، ۷(۲)، ۱-۱۸.
- دینی‌ترکمانی، پ. (۱۳۹۱). مروری بر نظریه‌های تجارت بین‌الملل. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۳)، ۲۲-۳۰.
- روحانی، ح.، هاشمی، ط.، و رضایی، ح. (۱۳۹۹). تأثیر نرخ ارز بر تجارت افغانستان با شرکای عمده تجاری. فصلنامه کاتب (علمی-تحقیقی)، ۶(۲)، ۱۵-۳.
- مزینی، ا. ح.، و یآوری، ک. (۱۳۸۳). اثر تغییرات نرخ ارز بر بخش تجاری کشور. تحقیقات اقتصادی، ۳(۱)، ۱۳-۳۰.
- نورعباد، ح. (۱۳۹۸). اقتصاد کل پیشرفته، سیاست‌های اقتصادی پیشرفته و مسائل پولی بین‌المللی (چاپ دوم، ص. ۱۲۳-۱۵۵). کابل: انتشارات یوسف‌زاده.
- Bittencourt, M., & Agudelo, P. (2021). The impacts of exchange rate volatility on Colombian trade with its main trade partners. *EconoQuantum*, 18(2), 1–25. [Link](#)
- Debela, G. (2019). The effect of real exchange rate on the trade balance of Ethiopia: Does the Marshall–Lerner condition hold? Evidence from VEV analysis (pp. 5–80). Addis Ababa University. [Link](#)
- Doojav, G. (2018). The effect of real exchange rate on trade balance in a resource-rich economy: The case of Mongolia. *American Economist*, 63(2), 235–250. DOI: <https://doi.org/10.1177/0015732518797184>
- Fofanah, P. (2020). Effects of exchange rate volatility on trade: Evidence from West Africa. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 12(3), 16–30. DOI: <https://doi.org/10.22610/jeb.v12i3.3137>
- Getachew Ayele, D. (2007). The role of real exchange rate on output and trade balance: Evidence from Ethiopia (pp. 1–120). Eastern Illinois University. [Link](#)

- Jadoon, A., & Guang, Y. (2019). The effect of exchange rate fluctuations on the trade balance of Pakistan. *International Journal of Economic Sciences*, 8(1), 3–15. <https://doi.org/10.20472/ES.2019.8.1.005>
- MacDonald, R. (2007). *Exchange rate economics: Theories and evidence* (pp. 183–228). Routledge. [Link](#)
- Nchokoe Tony, M. (2016). The impact of the real effective exchange rate on South Africa's trade balance (pp. 1–100). University of Limpopo. [Link](#)
- Nikzad, M., Yazdani, M., & Dargahi, H. (2023). Comparative analysis of balance of payments shocks under different exchange rate regimes: A DSGE approach. *Journal of Economic Research*, (advance online publication), 1–15. <https://doi.org/10.22054/joer.2023>
- Onyinye, O. G. (2008). The effect of exchange rate on the Nigerian balance of payments (1970–2010) (p. 74). Caritas University. [Link](#)
- Samsami, H., Orooji, Z., & Dashtban, S. (2023). Investigating the effects of exchange rate changes on the trade balance: A generalized Marshall–Lerner condition approach in Iran. *New Economy and Trade*, 3–10. [Link](#)
- Stučka, T. (2004). The effects of exchange rate change on the trade balance in Croatia. *IMF Working Paper No. 04/65*, 1–30. <https://doi.org/10.5089/9781451848717.001>
- Zorlubas, C. (2011). Exchange rate fluctuation and the trade balance of Norway: An econometric analysis (pp. 1–120). California State University, Fullerton. [Link](#)